

# دکتر اسدالله آزاد: معلمی خردمند و محققى اندیشمند

■ دکتر یزدان منصوریان  
استادیار دانشگاه تربیت معلم تهران



دکتر اسدالله آزاد (نفر دوم نشسته از چپ)

نشریه‌ای تخصصی در حوزه معرفی و نقد کتاب است. از این رو، تصمیم گرفتم نقد خود را برای این نشریه ارسال کنم (منصوریان، ۱۳۷۹ الف). روزی با آقای دکتر در این خصوص صحبت کردم، که به نوعی از استاد خود برای این منظور اجازه بگیرم. ایشان از این پیشنهاد استقبال کردند، و بلافاصله نسخه‌ای از کتاب را که تازه منتشر شده بود با سخاوتمندی به شاگرد خویش بخشیدند. در صفحه نخست کتاب نیز چند خطی نوشتند و امضاء کردند.

امروز این کتاب همراه با آن دست خط زیبا در قفسه کتاب‌هایم به یادگار مانده است. درست مثل همه خاطره‌هایی که از کلاس‌های آن معلم خردمند و توانا و از زمان نگارش پایان‌نامه فوق لیسانس خود به راهنمایی ایشان دارم (منصوریان، ب ۱۳۷۹). خلاصه این‌گونه بود که نخستین معرفی و نقد کتاب خود را درباره کتابی از دکتر آزاد و به تشویق ایشان نوشتم، و این نقد در شماره ۳۶ و ۳۷ کتاب ماه کلیات به چاپ رسید. امروز که حدود ده سال از آن روزها می‌گذرد، بسیار اندوهگین هستم که باید در حالی این خاطره را نقل کنم، که ایشان دیگر در میان ما نیست و به دیار باقی شتافته است. هرچند اساتید توانا و اندیشمندی همچون دکتر آزاد همیشه در یاد و خاطره شاگردان خود زنده خواهند ماند، و اندیشه‌هایی که برای ارتقاء دانش و خردورزی منتشر کرده‌اند نیز جاودانه است. دکتر اسدالله آزاد از جمله اساتیدی است که گام‌های مؤثری

زیر بارند درختان که تعلق دارند

ای خوشا سرو که از بار غم آزاد آمد

زمانی که قرار شد یادداشت کوتاهی در یادبود مرحوم دکتر اسدالله آزاد برای انتشار در مجله «کتاب ماه کلیات» بنویسم، نمی‌دانستم از کجا شروع کنم. آیا باید به عنوان شاگرد آن مرحوم خاطراتی از کلاس‌های درس استاد بنویسم، یا باید به نقش ارزنده‌ای که ایشان در رشد و بالندگی علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی این سرزمین ایفا کردند، اشاره کنم. در نهایت به نظرم رسید شاید بهتر باشد این یادداشت را با خاطره‌ای آغاز کنم که هم مربوط به دکتر آزاد است و هم مربوط به «کتاب ماه کلیات».

تابستان ۱۳۷۹ بود که کتاب «مفاهیم بازیابی اطلاعات» توسط انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد منتشر شد. این کتاب ترجمه مشترک دکتر اسدالله آزاد و دکتر رحمت‌الله فتاحی است. در آن زمان به عنوان دانشجوی ترم آخر در مقطع کارشناسی ارشد گروه کتابداری و اطلاع‌رسانی دانشگاه فردوسی، شاگرد این دو بزرگوار بودم. آن روزها، جوان‌تر و کم تجربه‌تر از امروز، به خودم جرأت دادم تا معرفی و نقدی از کتاب اساتید خود بنویسم، و برای نشریه‌ای ارسال کنم.

در جستجوی مجله مناسبی برای انتشار آن مطلب می‌گشتم، که به نظرم مجله کتاب ماه کلیات بهترین گزینه آمد، چرا که

## مرحوم دکتر آزاد برای همه شاگردان خود معلمی صادق و مهربان بود و با رفتار و گفتار خود به آنان درس صداقت و آزادگی آموخت

برای گسترش و شکوفایی علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی در این مرز و بوم برداشته است. زمانی که ایشان پس از فراغت از تحصیل از یکی از معروفترین گروه‌های کتابداری جهان، یعنی گروه اطلاع‌رسانی دانشگاه پیتسبورگ آمریکا، به ایران بازگشتند آموزش این رشته و تعداد آثار فارسی دانشگاهی در این زمینه از گسترش و وسعت امروز برخوردار نبود. تعداد گروه‌های آموزشی کتابداری در آن زمان در کشور بسیار معدود و آثار فارسی مفید برای دانشجویان بسیار ناچیز بود. از این‌رو، اساتیدی که همچون دکتر آزاد این کمبودها را احساس می‌کردند، گام‌های موثری در جهت ترجمه و تألیف آثار مورد نیاز دانشجویان این رشته برداشتند. سال‌ها زمان نیاز بود تا انتشارات علمی کافی که بتواند پاسخگوی نیاز دانشجویان باشد تولید و منتشر شود. به خاطر دارم سال ۱۳۷۴ که با این رشته آشنا شدم، و در سال ۱۳۷۶ در آزمون کارشناسی ارشد آن شرکت کردم، تعداد کتاب‌های دانشگاهی، منابع درسی و مقاله‌های مربوط به این رشته در بازار به مراتب کمتر از امروز بود. در میان آن آثار نام دکتر اسدالله آزاد جزء اسامی پرتکرار به شمار می‌آید. حتی برای تازه واردی مثل من به زودی معلوم شد که در میان پدیدآورندگان آثار کتابداری به زبان فارسی، ایشان چهره‌ای شناخته شده هستند.

هنگامی که در سال ۱۳۷۷ تحصیل در دوره کارشناسی ارشد را در دانشگاه فردوسی مشهد شروع کردم، و افتخار شاگردی ایشان را در آنجا یافتیم، دلیل این موفقیت و شهرت را بیشتر شناختم. موفقیتی که حاصل سال‌ها مطالعه و پژوهش مستمر در مسیری بود که ایشان با شکیبایی و بردباری پیموده بودند. آقای دکتر آزاد با روحیه دانش پژوه خود، بسیار به تحقیق مطالعه مشتاق بودند و علاوه بر پژوهش در حوزه کتابداری و اطلاع‌رسانی از دانش و بینش عمیقی در حوزه‌های دیگری نیز برخوردار بودند. نگاهی به آثار غیر کتابداری ایشان در زمینه‌های دیگر گواهی بر این امر است.<sup>۲</sup>

مرحوم دکتر آزاد را می‌توان نمونه‌ای از معلمان توانا و صبور برشمرد. زمانی که ایشان مسئولیت راهنمایی پایان نامه کارشناسی ارشد اینجانب را بر عهده داشتند، با دقت تمام نسخه‌های اولیه فصل‌هایی را که می‌نوشتم پس از مطالعه دقیق با کلی اصلاح و ویرایش به من باز می‌گرداند. به طوری که در هر مرحله از این ویرایش‌ها نکات تازه‌ای در پژوهش و نگارش یاد می‌گرفتم. علاوه بر این، مقاله‌هایی را که برای پیشینه پژوهش پیدا می‌کردم، با حوصله مطالعه می‌کردند و بخش‌های مهمتر آنها را مشخص می‌ساختند.

در آن سال‌ها ایشان، در کنار سایر اساتید گروه کتابداری و اطلاع‌رسانی دانشگاه فردوسی مشهد، همه دانشجویان خود را به نگارش و انتشار مقاله‌های علمی تشویق می‌کردند. از این‌رو، برای اینکه جرأت و اعتماد به نفس لازم در دانشجویان ایجاد شود، آنان را در کارهای پژوهشی خود مشارکت می‌دادند. مثلاً، یکی از نخستین مقاله‌هایی که منتشر کردم در واقع مشارکت در تحقیقی بود که با هدایت و راهنمایی دکتر آزاد انجام شد (آزاد و منصوریان، ۱۳۸۰).

همچنین، آقای دکتر آشنایی عمیقی با زبان و ادبیات فارسی داشتند. مطالعه آثار آن مرحوم نشان‌دهنده تسلط و احاطه‌ای است که در این زمینه داشتند. هر زمان که لازم بود نکته‌هایی در این زمینه به شاگردان خود آموزش دهند با مثال‌های خوبی مطالب خود را همراه می‌ساختند. مثلاً روزی از آن سال‌ها، در خلال گفت‌وگویی،

صحبت ایهام و سایر ظرایف در زبان فارسی پیش آمد. برای تبیین این موضوع، ایشان به چند بیت از یک غزل حافظ اشاره کردند. غزلی که مطلع آن «ای خرم از فروغ رخت لاله‌زار عمر -- باز آ که ریخت بی گل رویت بهار عمر» است. دو بیت از آن غزل که در آن روز مورد نظر آقای دکتر بود عبارتند از:

دی در گذار بود و نظر سوی ما نکرد  
بی‌عمر زنده ام من و این بس عجب مدار

روزی فراق را که نهد در شمار عمر  
ایشان در توضیح خود به واژه «دی» در بیت نخست اشاره کردند، که هم می‌تواند به معنای گذشته‌ای باشد که با سرعت سپری شده و در نهایت حاصلی در پی نداشته است. همچنین، «دی» می‌تواند اشاره به دیروزی باشد که معشوق بی‌توجه به شاعر عاشق از کنار او گذشته، و این بی‌اعتنایی همه عمرش را یکبار به بی‌حاصلی کشانده است. همچنین، در بیت دیگر، «عمر» هم به معنای معمول «عمر» است که در فراق معشوق جزء عمر عاشق محسوب نمی‌شود، و هم به معشوقی اشاره دارد که همچون عمر برای شاعر عزیز است و اکنون در کنار او نیست، ولی او در عین ناباوری بی آن «عمر عزیز» زنده است.

مرحوم دکتر آزاد برای همه شاگردان خود معلمی صادق و مهربان بود و با رفتار و گفتار خود به آنان درس صداقت و آزادگی آموخت. همه کسانی که آن مرحوم را می‌شناسند، به‌خوبی می‌دانند که نام ایشان با شخصیت و منش آن مرد آزاده پیوند و تناسبی عمیق داشت. در واقع او به راستی «اسدالله آزاد» بود. روحش شاد و یادش همیشه گرامی باد.

### یادداشت‌ها و ارجاعات:

• آزاد، اسدالله و منصوریان، یزدان (۱۳۸۰). «نگاهی به عناوین پایان‌نامه‌های دکتری کتابداری و اطلاع‌رسانی بین سال‌های ۱۹۹۴ تا ۱۹۹۹». مجله کتابداری دانشگاه تهران. جلد ۳۵ شماره ۳۷ ص. ۸۵-۱۰۱.

• منصوریان، یزدان (۱۳۷۹ الف). بازبایی اطلاعات: رویکرد آموزشی. نقد کتاب «مفاهیم بازبایی اطلاعات»، نوشته میراندا لی‌پائو، ترجمه اسدالله آزاد و رحمت‌الله فتاحی. کتاب ماه کلیات. شماره ۳۶ و ۳۷. ص. ۱۴-۱۵.

• منصوریان، یزدان (۱۳۷۹ ب). بررسی میزان و عوامل موثر بر رضایتمندی استفاده‌کنندگان از خدمات اطلاع‌رسانی رایانه‌ای در کتابخانه‌های دانشگاه فردوسی مشهد، به‌راهنمایی دکتر اسدالله آزاد و مشاوره دکتر محمد حسین دینانی. دانشگاه فردوسی مشهد.

### پی‌نوشت‌ها:

1. School of Information Sciences, University of Pittsburgh (<http://www.ischool.pitt.edu/>)
2. <http://draazad.blogfa.com/>